

سعدي بزرگ



* سعدي بزرگ یکی از سرشناس ترین سرایندهگان و دانشمندان ایرانی است که جهان در برابر او سر گرنش فرود آورده.

* شوربختانه در باره ی زادروز او آگاهی های چندانی در دست نیست.
از آنجا که سعدي بزرگ در جهان ادب و سرایندگی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، روز یکم اردیبهشت ماه برابر با بیست و یکم آوریل، روز بزرگداشت او برگزیده شده است.
- سعدي، این سراینده ی بزرگ سروده ای دارد که زیوربخش سر در یکی از تالارهای سازمان ملل متحد می باشد. آنجا که می سُراید:

بنی آدم اعضای یک پیکرند
که در آفرینش ز یک گوهرند
چو عضوی به درد آورد روزگار
دگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی
نشاهد که نامت نهند آدمی

* هنگامی که به ژرفای این رخداد جهانی می اندیشیم و در می یابیم که از میان آن همه سراینده، که در کشورهای گوناگون و به زبان های گوناگون سروده، سروده اند، برای نشان دادند آدمیگری، تنها و تنها این سروده ی سعدي بزرگ برگزیده شده است، به ایرانی بودن خود بیش از پیش سرفراز می شویم.
- یادمان باشد که ابشخور سعدي، فرهنگ ایرانی بوده است. او در سرزمینی پرورش یافته که ریشه های درخت دانش او از خاک گوهر پرور ایرانزمین آبیاری شده است. آدمیگری یکی از ستون های آن فرهنگ می باشد.

سعدي کیست؟

* ابو محمد مشرف الدین مصلح بن عبدالله بن مشرف سراینده و نویسنده ی فارسی زبان است که در شیراز چشم به جهان گشوده. برنامه های او استاد سخن - پادشاه سخن - شیخ اجل می باشند.
هنگامی که سعدي چشم به جهان گشود، اتابکان فارس در شیراز فرمانروایی می کردند. تاخت و تاز مغول ها به ایران و سرنگونی بسیاری از فرمانروایان آن زمان، مانند خوارزمشاهیان و عباسیان در همان زمان رخ داده است.
- خانواده ی سعدي، از خانواده هایی بودند که بیشتر سر در دانش و ادب داشتند. پدر سعدي از کارکنان دربار اتابک و شاه سعديبن زنگی بود. بسیاری را باور بر این است که چرایی برگزیدن نام سعدي، برای سپاسگزاری از این خاندان بوده است. کسی که بیش از همه سعدي را به راه یادگیری دانش و دین رهنمون شده، پدرش بود. سعدي از پدر تاریخ و دانش های ادبیک را آموخت. هنگامی که سعدي دوازده سال بیشتر نداشت شوربختانه پدرش چشم از جهان فروبست. نیای (جد) مادریش، مسعود بن مصلح، سرپرستی او را به گردن گرفت.

* سعدي پس از آموزش هایی چند، از شیراز به بغداد رفته و در مدرسه نظامیه در همان رشته به آموختن دانش سرگرم شد. در همانجا بود که از آموزه های امام محمد غزالی سود برده و با استادانی مانند شهاب الدین سهروردی آشنا شد.

* زمان درست درگذشت سعدي بزرگ مانند زاده شدنش بر ما پوشیده است. آنچه را که می دانیم اینست که او در سال های پایان زندگی در خانگاه یا سرای درویشان می زیسته و در همانجا نیز چشم از جهان فرو بسته است.

* بوستان سعدي

- بوستان را نَسکِ سعدی نامه نیز می نامند. هنگامی که سعدی در زَهبسپاری (سفر) بوده، بوستان را سروده است. این بازمانده ی ادبی در زمینه ی تربیت - سیاست - خوی و خیم و دشواری های هازمان (جامعه) نوشته شده است. یکی از ویژگی های مهین (مهم) نوشته های سعدی، ساده و روان بودنِ اِنهاست. و چون به زبانی ساده نوشته شده هواداران بسیاری دارد.

بوستان در برگیرنده ی ده بخش (باب) است که هر یک از آنها جستار ویژه ای را به میان می کشد و پند و اندرزهای ارزنده ای به خواننده می دهد.

برای نمونه در باره ی فروتنی (تواضع)

ز خاک آفریدت خداوند پاک
حریص و جهانسوز و سرکش مباش
پس ای بنده، افتادگی کن، چو خاک
ز خاک آفریدنت، آتش مباش
.....

در باره ی دادگری و چاره جویی (عدل و تدبیر)

شنیدم که در وقت نزع روان
که خاطر نگهدارِ درویش باش
به هرمز چنین گفت، نوشیروان
نه در بندِ آسایش خویش باش
چو آساید اندر دیارِ تو کس
نیاساید اندر دیارِ تو کس

در باره ی سپاسگزاری برای تندرستی (در شکر بر عافیت)

ستایش خداوند بخشنده را
چو پاک آفریدت بهش باش و پاک
که موجود کرد، از عدم، بنده را
که ننگست نا پاک رفتن به خاک
چو روزی به سعی آوری سوی خویش
مکن تکیه بر زور بازوی خویش

* گلستان سعدی

- بسیاری را باور بر اینست که نوشته های سعدی بزرگ در گلستان، در بخش دانش های ادبیک (ادبیات) فارسی کارایی بسیار داشته است. گویند سعدی بزرگ این نَسک را به سعد بن ابوبکر زنگی، جانشین شاه اتابکان، پیشکش کرده است. این شاهکار ادبی، یک سال پس از بوستان به نگارش در آمده است. این نَسک دارای هشت بخش (باب) است که هر یک از آن بخش ها دارای داستانی است، جدا از بخش های دیگر. هر یک از بازگفته (حکایت)ها در برگیرنده ی پند و اندرزهای سودمند می باشد. این بازگفته ها بگونه ای نوشته شده که کسی از خواندن آنها خسته و آزرده نمی شود.

- گلستان را می توان آینه ی هازمان (جامعه) آن روزها دانست. زیرا سعدی بزرگ کوشیده شیوه ی زندگی مردم، روش فرهنگی و هازمان آن زمان را بگونه ای به نمایش بگذارد که همی کس بتواند از آن سود ببرد.

- چامه های سعدی بزرگ به گردِ اِشگ (عشق) می چرخد. برای نمونه چنین می سراید:

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم
به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برارم
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
به گفت و گوی تو خیزم به جست و جوی تو باشم

* در اخلاق درویشان

- حکایت : یکی از بزرگان گفت پارسایی را چه گویی در حق فلان عابد که دیگران در حق وی به طعنه سخنها گفته اند. گفت؛ بر ظاهرش عیب نمی بینم و در باطنش غیب نمیدانم.

هر که را جامه ی پارسا بینی
ور ندانی که در نهانش چیست
پارسا دان و نیک مرد انگار
محتسب را درون خانه چکار

* در فوائد خاموشی

- یکی را از حکما شنیدم که می گفت: هرگز کسی به جهل خویش اقرار نکرده است، مگر آن کس که چون دیگری در سخن باشد، همچنان ناتمام گفته سخن آغاز کند.

سخن را سرست ای خردمند و بن
خداوند تدبیر و فرهنگ و هوش
میاور سخن در میان سخن
نگوید سخن تا نبیند خموش

گرد آورنده : ژاله دفتریان

پاریس اردیبهشت ۲۵۸۱ ایرانی

برابر با آوریل ۲۰۲۲ ترسایی

